

## " روزنامه ها را توقیف می کنند و اجازه نطق نمی دهند "

در ستون مقالات

\*\*\*\*\*

### در باره پنجاهمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد

مهندس رضا رحیم پور

در ستون مقالات

**توجه شما را به مطالب " ستون آزاد - بر خورد عقاید و آراء " جلب می کنیم !**

اعلامیه سازمان سوسیالیست های ایران

بمناسبت پنجاهمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

## " راه مصدق " ادامه دارد

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سازمانهای جاسوسی انگلیس ( انتلیجنت سرویس ) و ایالات متحده آمریکا ( سیا ) با کمک و همکاری محمد رضا شاه پهلوی، اشرف پهلوی، برخی از امرای ارتش از جمله سپهبد بازنشسته فضل الله زاهدی، سر تیپ گیلانشاه، سرهنگ فرزندگان و عده ای ارادل و اوباش چاله میدانی و دروازه قزوینی و برخی از رجال درباری و فراماسیونری، حتی افرادی همچون دکتر مظفر بقائی کرمانی که زمانی در جبهه ملیون عمل می کردند و در امر ملی شدن صنعت نفت نقش مثبتی ایفا کرده بودند، در امر کودتا علیه حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق شرکت داشتند. کودتاگران همچنین از حمایت و پشتیبانی بخشی از روحانیت از قبیل آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و آیت الله بهبهانی بر خوردار بودند. آیت الله کاشانی در روز ۲۸ مرداد طی اطلاعیه ای از کودتاچیان حمایت کرد و چند روز بعد طی یک مصاحبه ای مجازات اعدام برای مصدق خواستار شد!

\*\*\*\*\*

دکتر مصدق در چهاردهمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی، عملکرد و سیاست شرکت نفت انگلیس در ایران را بر خلاف " حاکمیت ملی " ایران ارزیابی کرده بود و آنرا دولتی در دولت ایران خواند.

چگونگی روند مبارزات نهضت ملی ایران بر هبری دکتر مصدق که با ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و خلع ید از شرکت غاصب نفت انگلیس در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰، می رفت تا به نفوذ سیاسی استعمار گران انگلیس در ایران پایان دهد و " حاکمیت ملی " را بر میهنمان ایران برقرار کند، روندی که بهیچوجه با منافع استعماری دولت استعمارگر انگلیس نمی توانست سازگار باشد.

دولت استعمارگرانگلیس و شرکت نفت انگلیس بهیچوجه حاضر نشدند امر ملی شدن صنعت نفت و در حقیقت تحقق "حاکمیت ملی" در ایران را برسمیت بشناسند.

دکتر مصدق که در اثر درایت و کاردانی خود موفق شد از سوئی سیاست استعماری دولت انگلیس را در سازمان ملل و در دادگاه لاهه باشکست روبرو کند و پرده از ماهیت استعماری دولت انگلیس برکند و از سوی دیگر بر اهداف و خواست محوری نهضت ملی ایران، یعنی استقرار "آزادی و استقلال" در ایران شدیداً تأکید می‌ورزد و به آرمانها و موازین اخلاقی کاملاً پایبند باشد، در بسیاری از کشورهاییکه تحت سیطره دولت انگلیس قرار داشتند، طرفداران زیادی پیدا نمود. امری که نمی‌توانست مورد تأیید و موافقت دولت انگلیس باشد.

پس از ملی شدن صنعت نفت، دیپلماسی انگلیس علیه منافع ملی ایران و دولت ملی دکتر مصدق در سطح جهان دست به توطئه زد. برنامه تحریم اقتصادی ایران و جلوگیری از فروش نفت ایران در دستور کار دولت انگلیس قرار گرفت و آن دولت از طریق جاسوسان و سیاستمداران سرشناس "آنگلوفیل" و "فراماسیونری" در مغشوش کردن فضای سیاسی در ایران اقدام نمود.

اسناد موجود گواه بر این امر دارند که دولت استعمارگر انگلیس در جهت شکست نهضت ملی ایران و سرنگونی دولت ملی مصدق یک کارزار بزرگ سیاسی بپا کرده بود.

پیروزی حزب محافظه کار در انگلیس و حزب جمهوریخواه در ایالات متحده آمریکا از سوئی و مرگ ناگهانی استالین در شوروی از سوی دیگر، حوادثی بودند که کمک کردند تا فضای سیاسی جهان در جهت اجرای کودتا بفتح دولت انگلیس تغییر کند.

کودتای ۲۸ مرداد علیه حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق بیانگر این واقعیت اسف انگیز می‌باشد که دولتهای انگلیس و ایالات متحده آمریکا، منشور سازمان ملل متحد و قوانین و معاهدات بین المللی را بخاطر منافع استعماری خود پایمال کردند.

کودتای ۲۸ مرداد، نه تنها دست آوردهای مبارزات ملی شدن صنعت نفت برهبری دکتر مصدق، یعنی "حاکمیت ملی" و استقلال سیاسی ایران را از بین برد، همچنین بفتح استقرار رژیم ترور و خفقان محمد رضا شاه پهلوی و

علیه "حاکمیت قانون" و "حاکمیت ملت (حاکمیت مردم)" و "آزادی" در ایران عمل کرد.

عملکردهای "فراقانونی" محمد رضاشاه پهلوی و قانون شکنی دولتهای دست نشانده وی تا آن حد پیش رفت که نخست وزیرانی همچون دکتر منوچهر اقبال و اسدالله علم خود را غلامان خانه زاد معرفی می کردند و حتی سفرای ایران خود را سفیر شاهنشاه آریامهر می نامیدند.

اگرچه در دوران رژیم شاه تعداد بسیار زیادی مدارس و دبیرستان و حتی دانشگاه در ایران تأسیس شد و حتی در رابطه با اصلاحات مورد نظر دولت ایالات متحده آمریکا، معروف به "انقلاب سفید"، مسئله آموزش و مبارزه با بیسوادی را نیز به دهات ایران گسترش داد و روز به روز بر تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان ایرانی در اروپا و آمریکا افزوده می شد، ولی هیچ ایرانی تحصیل کرده و یا هیچ صاحب نظری، حق نداشت در رابطه با سیاست ایران و جهان و عملکرد دولت وقت، اظهار نظر کند. هر گونه فعالیت سیاسی، صنفی، سندیکائی، حتی فعالیت های فرهنگی، علمی و مذهبی ایرانیان که بدون اطلاع و راهنمایی دخالت سازمان امنیت (ساواک) انجام می گرفت، توطئه تلقی می شد. فعالین سیاسی وابسته به سازمانهای اپوزیسیون، حتی آن بخشهایی که اجرای قانون اساسی مشروطیت را خواستار بودند، شدیداً تحت پیگرد قرار می گرفتند.

انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ رژیم وابسته به امپریالیست شاه را سرنگون کرد، ولی آزادی و مردم سالاری بر ایران حاکم نگردید. مردم ایران اگرچه با سیاست ترور و استبدادی محمد رضا شاه پهلوی مخالف بودند و رهبر انقلاب نیز در اولین سخنرانی خود در بهشت زهرا در تهران از حق تعیین سرنوشت مردم ایران توسط خود مردم صحبت کرد. ولی چون مردم با مشکل معرفتی روبرو بودند - در حقیقت این "مشکل معرفتی" یکی از نتایج سیاست سرکوب و ترور رژیم شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود -، کمتر با "ارزش های" تشکیل دهنده نظام دموکراسی آشنائی داشتند و اصولاً "ضد ارزش های" آن "نظام" را نمی شناختند، این امر کمک کرد تا تن به حکومت روحانیت و نظام مذهبی بدهند و امر جدائی مذهب از حکومت و دولت و خواست دولت لائیک (دولت غیر دینی و نه ضد دین) را مطرح نکنند.

اگرچه برای رهبر انقلاب، آیت الله العظمی روح الله خمینی در آن مقطع تاریخی بدون همکاری جبهه ملی و نهضت آزادی، تشکیل دولت موقت کار آسانی نبود، روی این اصل، ایشان پس از پیروزی انقلاب بر حضور آن نیروها در "دولت موقت" انقلاب اصرار ورزید. اما ایشان از همان اوائل انقلاب به تمام گفتار و نوشتار خود در باره آزادی، دموکراسی و مجلس مؤسسان و قولها و وعده هائی

## که در این مورد ب مردم ایران داده بود پشت کرد و گام به گام بمخالفت با آزادیخواهی و نظام دموکراسی و مردم سالاری برخاست.

رهبر انقلاب آگاهی کامل داشت که اسناد تاریخ معاصر ایران گواهی بر این امر دارند که دکتر مصدق مظهر حاکمیت قانون ، حاکمیت ملی و حاکمیت مردم می باشد و اگر بنا باشد روزی محتوی شعار " آزادی و استقلال " - شعار محوری نهضت ملی ایران -، در ایران متحقق گردد، روحانیت نخواهد توانست به تنهایی بعنوان " قیم " مردم ایران بر اریکه قدرت تکیه کند. بخاطر حفظ قدرت و حکومت بخشی از روحانیت ، " مصدق ستیزی " و مبارزه با نظرات و عقاید ملی گرائی و لیبرالیسم بیکی از شعارهای محوری روحانیت دولتی و هیئت حاکمه مذهبی ایران تبدیل شد.

مصدق ستیزی تا آن حد پیشرفت که برخی از جناحهای هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در پنجمین دوره قانونگذاری سعی نمودند تا با تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی ، روز ۲۹ اسفند، روز ملی شدن صنعت نفت بر رهبری دکتر محمد مصدق را از تقویم ایران بعنوان یک روز تاریخی و ملی حذف کنند، امری که باعث بی آبرویی بیشتر این جماعت قدرت طلب و پول پرست شد.

سلطنت طلبان و طرفداران رژیم شاه ، هنوز از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که در حقیقت یک " فاجعه ملی " بود، بنام " قیام ملی " نام می برند .

آیا با گذشت نیم قرن از فاجعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، وقت آن نرسیده است که ، حد اقل از خانم اولبرایت وزیر امور خارجه پرزیدنت کلینتون یاد گرفت که آن فاجعه ، " قیام ملی " نبود ، بلکه کودتائی بود که دستگاههای جاسوسی انگلیس و ایالات متحده آمریکا آنرا طرح ریزی کرده بودند و سرانجام در پیروزی آن نقش بزرگی داشتند ؟

اسناد موجود حکایت از این امر دارد که ادوارد دونالدی رئیس حسابداری اصل چهار در ایران مبلغ ۳۹۰ هزار دلار به پول آنزمان به مصرف کودتا در روز ۲۸ مرداد رساند.

آیا طرفداران کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هیچ به این مسئله فکر کرده اند که اگر دولتهای استعمارگر انگلیس و ایالات متحده آمریکا در ۵۰ سال قبل علیه حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق کودتا نمی کردند، مردم ایران در روند مبارزات سیاسی و اجتماعی خود تا کنون موفق شده بودند، نظام دموکراسی پارلمانی در ایران متحقق کنند ؟

زنده باد " آزادی و استقلال "  
زنده باد " ادامه راه مصدق "

از سوی هیئت اجرائی سازمان سوسیالیست های ایران  
دکتر منصور بیات زاده

۲۸ مرداد ۱۳۸۲

[socialistha@ois-iran.com](mailto:socialistha@ois-iran.com)

[www.ois-iran.com](http://www.ois-iran.com)